

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

بررسی تطبیقی شرط رشد در مذاهب پنج گانه اسلامی

استاد راهنما:

دکتر طاهر علی محمدی

استاد مشاور:

دکتر عبد الجبار زرگوش نسب

نگارنده:

انسیه خدایی

شهریور ماه ۱۳۹۲

به نام خدا

بررسی تطبیقی شرط رشد در مذاهب پنج گانه اسلامی

توسط:

انسیه خدایی

پایان نامه ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای
اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

از دانشگاه ایلام

ایلام

جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۹۲/۶/۳۰ توسط هیأت داوران زیر ارزیابی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

دکتر طاهر علی محمدی، استادیار گروه الهیات (راهنما و رئیس هیأت داوران).....

دکتر عبدالجبار زرگوش نسب، استادیار گروه الهیات (متاور).....

دکتر مهدی اکبر نژاد، دانشیار گروه الهیات (داور).....

دکتر شمس الله سراج، استادیار گروه فلسفه و معارف اسلامی (داور).....

شهریور ماه ۱۳۹۲

تقدیم به:

☞ بانوی دو عالم؛ حضرت فاطمه زهرا ؑس.

☞ پدر و مادر عزیزم که در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی همواره یوری
دلسوز و فداکار و پشتیبانی محکم و مطمئن برایم بوده‌اند.

☞ همسر مهربانم. به پاس قدردانی از حمایت‌ها و همکاری صمیمانه
ایشان در طول نگارش پایان نامه.

تقدیر و تشکر

ضمن حمد و سپاس فراوان از درگاه احدیت، بر خود لازم می‌دانم با زبانی نارسا و قلمی قاصر، به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از تمام بزرگانی که مرا در مسیر کسب علم قرار داده، فکر و زبانم را آمیخته با کلمات شیرین علم ساختند و در تهیه کار پژوهشی حاضر، همکاری کردند، قدردانی کنم. از این رو از محضر اساتید بزرگ و فرزانه‌ام جناب آقای **دکتر طاهر علی محمدی** و جناب آقای **دکتر عبد الجبار زرگوش نسب** که با قبول راهنمایی و مشاوره، اینجانب را در امر تدوین پایان‌نامه حاضر یاری نمودند، خاضعانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همچنین از خانواده محترم خود و دیگر بزرگانی که با فراهم کردن شرایط و قبول زحمات، کمال همکاری را به عمل آورده و این کمترین را در تهیه این مکتوب یاری فرمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

صحت و سلامتی و توفیق انجام خدمت بیشتر کلیه عزیزان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. «اللهم وفقنا للعلم والعمل به».

چکیده

مسئله رشد از جمله مسائلی است که از نظر فقهی قابل بحث و بررسی و به لحاظ اجتماعی دارای اهمیت می‌باشد. رشد دارای ابعاد مختلفی است از جمله: رشد مالی و اقتصادی، رشد عقلانی، اخلاقی و ... با توجه به قول مشهور فقهای امامیه و اهل سنت، رشد فقط در امور مالی و امور متضمن مال؛ همچون نکاح، شرط است ولی برخی از فقها همچون علامه حلی در بحث قصاص، رشد را به عنوان یکی از شروط آورده‌اند. نکته دیگر اینکه اکثر فقها سنی را برای رشد تعیین نکرده‌اند ولی ابوحنیفه صراحتاً بیست و پنج سالگی را به عنوان سن رشد تعیین نموده است. بر این اساس سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا رشد فقط در تصرفات مالی مدخلیت دارد یا اینکه در امور عبادی و کیفری نیز شرط است؟ دیگر اینکه آیا می‌توانیم سنی را به عنوان اماره رشد در نظر بگیریم یا خیر؟ با توجه به آثار حقوقی‌ای که بر موضوع رشد بار می‌شود، بررسی مدخلیت آن در تصرفات مالی، عبادی و کیفری و مساله سن رشد، اهمیت پیدا می‌کند. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، اقوال و دلایل فقهای مذاهب پنج‌گانه طرح و بررسی شده و نتیجه گرفته شده که هر چند در تکالیف عبادی و امور کیفری؛ رشد لحاظ نشده و بلوغ و عقل شرط تکلیف و مسئولیت کیفری دانسته شده است ولی به نظر می‌رسد که منظور از عقل در این امور همان رشد اخلاقی و عقلانی است. و دیگر اینکه بر سن رشد دلیل محکمی ارائه نشده و سنی که از جانب فقهای اهل سنت برای رشد تعیین شده، ادعایی بدون دلیل است.

کلید واژه‌ها: رشد، سفاقت، عبادات، معاملات، جزائیات.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
۱-۱	مقدمه
۲-۱	شرح و بیان مسأله
۳-۱	اهداف تحقیق
۴-۱	سؤالات تحقیق
۵-۱	ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق
۶-۱	پیشینه موضوع
۷-۱	شرح روش تحقیق
۸-۱	کاربرد نتایج تحقیق
۹-۱	توضیح واژگان
۹-۱-۱	حجر
۹-۱-۲	رشد
۹-۱-۳	بلوغ
۹-۱-۴	عقل
۹-۱-۵	سفاهت
فصل دوم: ماهیت رشد و راههای ثبوت آن	
۱-۲	رشد؛ ملکه یا کیفیت
۲-۲	رشد و عدالت
۱۲	دیدگاه فقهای امامیه
۱۶	دیدگاه فقهای حنفیه

۱۶	دیدگاه فقهای مالکیه.....
۱۶	دیدگاه فقهای شافعیه.....
۱۷	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۱۷	جمع بندی.....
۱۸	۳-۲. نسبت بین رشد و عقل.....
۱۸	دیدگاه فقهای امامیه.....
۲۰	دیدگاه فقهای شافعیه.....
۲۰	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۲۱	جمع بندی.....
۲۱	۴-۲. نسبت بین بلوغ و رشد.....
۲۱	دیدگاه فقهای امامیه.....
۲۲	دیدگاه فقهای مالکیه.....
۲۳	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۲۷	جمع بندی.....
۲۷	۵-۲. علائم و راههای اثبات رشد.....
۲۷	۲-۵-۱. اختبار.....
۲۷	دیدگاه فقهای امامیه.....
۲۹	دیدگاه فقهای حنفیه.....
۲۹	دیدگاه فقهای مالکیه.....
۲۹	دیدگاه فقهای شافعیه.....
۲۹	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۲۹	۲-۵-۱-۱. زمان اختبار.....
۲۹	دیدگاه فقهای امامیه.....
۳۲	دیدگاه فقهای حنفیه.....
۳۲	دیدگاه فقهای مالکیه.....
۳۲	دیدگاه فقهای شافعیه.....
۳۲	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۳۳	۲-۵-۱-۲. کیفیت اختبار.....

۳۳	دیدگاه فقهای امامیه
۳۴	دیدگاه فقهای حنفیه
۳۴	دیدگاه فقهای مالکیه
۳۴	دیدگاه فقهای شافعیه
۳۴	دیدگاه فقهای حنبلیه
۳۵	۲-۵-۲. شهادت
۳۵	دیدگاه فقهای امامیه
۳۵	دیدگاه فقهای اهل سنت
۳۶	۲-۵-۳. استفاضه، تواتر و حکم حاکم
۳۶	جمع بندی
۳۷	فصل سوم: رشد در امور مالی
۳۸	۳-۱. رشد در معاملات صغیر
۳۸	دیدگاه فقهای امامیه
۴۳	دیدگاه فقهای حنفیه
۴۳	دیدگاه فقهای مالکیه
۴۴	دیدگاه فقهای شافعیه
۴۴	دیدگاه فقهای حنبلیه
۴۴	۳-۲. رشد در معاملات سفیه
۴۴	دیدگاه فقهای امامیه
۴۶	دیدگاه فقهای حنفیه
۴۷	دیدگاه فقهای مالکیه
۴۸	دیدگاه فقهای شافعیه
۴۸	دیدگاه فقهای حنبلیه
۴۹	جمع بندی
۴۹	۱. رشد در بیع و شراء
۴۹	دیدگاه فقهای امامیه
۵۲	دیدگاه فقهای حنفیه
۵۲	دیدگاه فقهای مالکیه

۵۴	دیدگاه فقهای شافعیه
۵۵	دیدگاه فقهای حنبلیه
۵۶	جمع بندی
۵۷	۲. رشد در وصیت
۵۷	دیدگاه فقهای امامیه
۵۸	دیدگاه فقهای حنفیه
۵۸	دیدگاه فقهای مالکیه
۵۹	دیدگاه فقهای شافعیه
۵۹	دیدگاه فقهای حنبلیه
۶۰	جمع بندی
۶۰	۴. رشد در نکاح
۶۰	دیدگاه فقهای امامیه
۶۲	دیدگاه فقهای حنفیه
۶۲	دیدگاه فقهای مالکیه
۶۳	دیدگاه فقهای شافعیه
۶۳	دیدگاه فقهای حنبلیه
۶۳	جمع بندی
۶۴	۵. رشد در طلاق
۶۴	دیدگاه فقهای امامیه
۶۴	دیدگاه فقهای حنفیه
۶۴	دیدگاه فقهای مالکیه
۶۵	دیدگاه فقهای شافعیه
۶۵	دیدگاه فقهای حنبلیه
۶۶	جمع بندی
۶۶	۶. رشد در هبه
۶۶	دیدگاه فقهای امامیه
۶۶	دیدگاه فقهای حنفیه
۶۶	دیدگاه فقهای مالکیه

دیدگاه فقهای شافعیه.....	۶۷
دیدگاه فقهای حنبلیه.....	۶۷
جمع بندی.....	۶۷
۷. رشد در اقرار.....	۶۷
دیدگاه فقهای امامیه.....	۶۷
دیدگاه فقهای حنفیه.....	۶۸
دیدگاه فقهای مالکیه.....	۶۸
دیدگاه فقهای شافعیه.....	۶۸
دیدگاه فقهای حنبلیه.....	۶۹
جمع بندی.....	۶۹
فصل چهارم: رشد در امور عبادی و کیفری	۷۰
۴-۱. رشد در امور عبادی.....	۷۱
۴-۱-۱. دیدگاه فقهای امامیه.....	۷۱
۴-۱-۲. دیدگاه فقهای حنفیه.....	۷۷
۴-۱-۳. دیدگاه فقهای مالکیه.....	۷۷
۴-۱-۴. دیدگاه فقهای شافعیه.....	۷۸
۴-۱-۵. دیدگاه فقهای حنبلیه.....	۷۸
جمع بندی.....	۷۹
۴-۲. رشد در امور کیفری.....	۸۰
۴-۲-۱. شروط مسئولیت کیفری.....	۸۱
دیدگاه فقهای امامیه.....	۸۱
دیدگاه فقهای حنفیه.....	۸۷
دیدگاه فقهای مالکیه.....	۸۷
دیدگاه فقهای شافعیه.....	۸۷
دیدگاه فقهای حنبلیه.....	۸۸
۳-۳-۲. شروط مدعی در دعاوی کیفری.....	۸۸
جمع بندی.....	۸۹
فصل پنجم: اماریت سن رشد	۹۰

۹۱.....	۱-۵. دیدگاه فقهای امامیه.....
۹۱.....	۱-۱-۵. سن بلوغ.....
۹۲.....	۲-۱-۵. سن رشد.....
۱۰۰.....	۲-۵. دیدگاه فقهای اهل سنت.....
۱۰۰.....	۱-۲-۵. سن بلوغ.....
۱۰۱.....	۲-۲-۵. سن رشد.....
۱۰۱.....	دیدگاه فقهای حنفیه.....
۱۰۱.....	دیدگاه فقهای مالکیه.....
۱۰۲.....	دیدگاه فقهای شافعیه.....
۱۰۲.....	دیدگاه فقهای حنبلیه.....
۱۰۴.....	جمع بندی.....
۱۰۶.....	نتیجه گیری.....
۱۰۸.....	منابع و مآخذ.....

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

۱-۱. مقدمه

رشد که به منزله یک تحول فکری در انسان محسوب می‌شود، از دیدگاه فقهای اسلام، به عنوان وصفی که موجب رفع محجوریت از شخص صغیر و سفیه می‌گردد و تحقق آن در تصرفات مالی لازم شمرده می‌شود، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. رشد در اصطلاح فقها، حسن تصرف در مال معنا شده است. این تعریف مربوط به رشد مالی بوده و در تصرفات مالی و امور متضمن مال همچون نکاح، مورد بحث قرار می‌گیرد. در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به مراتب رشد، علاوه بر اینکه در امور مالی شرطیت دارد، می‌تواند در امور عبادی و جزایی نیز در نظر گرفته شود. گرچه در این امور؛ بلوغ و عقل شرط می‌باشد، ولی اینگونه به نظر می‌رسد که عقل به تناسب تکالیف عبادی و کیفری در معنای رشد عبادی و جزایی به کار گرفته شده است. هر یک از رشد مالی، عبادی و جزایی؛ ممکن است در مراحل مختلف زندگی تقویت یابند. پس اینگونه نیست که در یک مرتبه قرار داشته باشند بلکه امکان دارد به عنوان مثال رشد جزایی زودتر از رشد مالی حاصل شود.

در این پایان‌نامه این مسأله از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت، مورد بررسی قرار می‌گیرد و جهت تبیین و تحلیل اقوال و ادله آنها و رسیدن به نتایج مطلوب، مطالب و مباحث در پنج فصل تنظیم شده است:

در فصل اول، کلیات و برخی مفاهیم به کار رفته در ضمن مباحث، بیان می‌شود. در فصل دوم به ماهیت رشد، راههای ثبوت آن و به ارتباط بین رشد و بلوغ و همچنین رشد و عقل و در فصل سوم به شناسایی جایگاه شرطیت رشد در ابواب مختلف فقهی از جمله عبادات، معاملات و تصرفات مالی و امور کیفری از دیدگاه فقهای امامیه و فرق اهل تسنن پرداخته خواهد شد. به دلیل اهمیت مسأله سن در رابطه با بلوغ و رشد، فصل پنجم نیز به این مبحث اختصاص داده شده و در نهایت به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۱-۲. شرح و بیان مسأله

رشد در لغت به معنای هدایت به سوی خیر و صلاح و در اصطلاح فقها به معنای حسن تصرف در مال است. رشد به معنایی که متضاد با لغت غی است، از شرایط توجه تکلیف به افراد رشید خواهد بود. میان فقها در برخی از شرایط و ویژگی‌های رشد اختلاف نظر وجود دارد. برخی همچون شیخ طوسی و شافعی رشد را به این معنا می‌دانند که صبی به حد تکلیف برسد در حالی که صلاح در دین و مال داشته باشد. علامه حلی نیز در کتاب تحریر، رشد را به عنوان

شرطی از شروط قصاص نام برده و ابوحنیفه، رشد را در صحت تصرفات مالی شرط ندانسته و رسیدن به سن خاصی را به عنوان اماره برای رشد تعیین کرده است و ...

۱-۳. اهداف تحقیق

هدف اصلی

شناخت گستره شرطیت رشد در امور مختلف فقهی از دیدگاه فقهای مذاهب پنج‌گانه اسلامی و دستیابی به نقاط مشترک و مورد اختلاف آنان.

اهداف جزئی

۱. شناخت مدخلیت یا عدم مدخلیت عدالت در رشد از دیدگاه فقهای مذاهب پنج‌گانه.
۲. آگاهی از رابطه بین رشد و عقل از دیدگاه فقهای مذاهب پنج‌گانه اسلامی.
۳. دستیابی به اماره بودن یا نبودن سن در شناخت رشد.

۱-۴. سؤالات تحقیق

سؤالاتی که در این تحقیق به آن پاسخ داده می‌شود عبارتند از:

سؤالات اصلی

۱. فقهای امامیه و عامه در رابطه با رشد چه ویژگی‌ها و شرایطی را مطرح کرده‌اند؟
۲. آیا رشد علاوه بر شرطیت در تصرفات مالی و امور متضمن مال؛ همچون نکاح، در امور عبادی و کیفری نیز شرطیت دارد؟

سؤالات جزئی

۱. آیا عدالت در تحقق شرط رشد مدخلیت دارد؟
 ۲. چه ارتباطی بین رشد، بلوغ و کمال العقل وجود دارد؟
 ۳. آیا می‌توان برای رشد سنی را به عنوان اماره تعیین نمود؟
 ۴. موارد اشتراک و افتراق در زمینه رشد از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه چیست؟
- در این پایان‌نامه سعی شده است که با تبیین و بررسی نظرات و ادله فقهای مذاهب پنج‌گانه اسلامی، شرطیت رشد در امور مختلف فقهی؛ از جمله مالی و معاملات، عبادی و کیفری مشخص گردد و با تطبیق آن‌ها میزان اختلاف و اشتراک مذاهب معلوم شود و یک نظریه جامع در این خصوص به دست آید.

۱-۵. ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع رشد در امور عبادی و کیفری از یک طرف، و ابهامات موجود از طرف دیگر، می‌طلبند که تحقیقی جامع در این باره انجام پذیرد. بخصوص که در این باره به شکل تطبیقی و مقایسه‌ای، پژوهشی درخور صورت نگرفته است.

۱-۶. پیشینه موضوع

در بین فقها برخی همچون شیخ طوسی در کتاب «الخلافا»، موضوع رشد را به صورت تطبیقی، آن هم بیشتر در تصرفات مالی و امور متضمن مال همچون نکاح و اقرار مورد بحث قرار داده است، اما بیشتر فقها به تناسب بحث در لابه‌لای مباحث فقهی محدود به دیدگاه امامیه، بدان پرداخته‌اند.

در بین پایان‌نامه‌هایی هم که در این زمینه تدوین شده، تحقیقی تطبیقی و جامع در ابواب مختلف فقهی، دیده نشده است. از جمله آنها می‌توان به پایان‌نامه‌های «بررسی شرط رشد در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران» نوشته وحید امینی و «رشد، آثار و احکام فقهی آن» نوشته محمد حسن حاجیان، اشاره کرد. رساله اول به تبیین رشد در فقه امامیه و جایگاه آن در حقوق موضوعه پرداخته و رساله دوم نیز به بررسی نظر فقهای امامیه و اهل سنت در مورد رشد پرداخته و آن را محدود به امر ازدواج و امور مالی کرده و در امور عبادی و کیفری منتفی دانسته است. اما در این پایان‌نامه، ضمن بررسی آرای فقهای امامیه و عامه در مورد رشد؛ رابطه رشد، بلوغ و عقل مشخص می‌شود و به لزوم شرط رشد در امور عبادی و کیفری پرداخته خواهد شد. از طرف دیگر، به سن رشد به عنوان اماره از نظر قرآن، سنت و از دیدگاه فقهای مذاهب پنج‌گانه اسلامی پرداخته و در نهایت، مشترکات و مفترقات فریقین بیان می‌شود.

۱-۷. شرح روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای به بررسی تطبیقی آرای فقهای امامیه و اهل سنت می‌پردازد. به این صورت که پس از شناسایی منابع مورد نیاز به تبیین، تحلیل و بررسی آنها پرداخته و سپس نتیجه‌گیری می‌شود.

۱-۸. کاربرد نتایج تحقیق

نتیجه این تحقیق می‌تواند مورد استفاده مراکز زیر قرار گیرد:

۱. مراکز آموزشی و پژوهشی؛ مثل دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و حوزه‌های علمیه؛

۲. مراکز قانونگذاری؛

۳. قوه قضائیه.

۹-۱. توضیح واژگان

۹-۱-۱. حَجْر

حجر در لغت به معنای منع، ممنوعیت، بازداشتن و حرام آمده است. برخی از لغت نویسان، حجر به فتح را به معنای منع و احاطه بر چیزی و حجر به کسر را به معنای حرام گرفته‌اند؛^۱ در حالی که برخی دیگر، آن را به هر سه حرکت (فتح، ضم و کسر) «حرام» معنا کرده‌اند.^۲ راغب نیز حجر را به معنای منع از تصرف در اموال و برخی امور، آورده است.^۳

تعاریف اصطلاحی موجود در کتب فقهی نشان می‌دهد که این تعاریف اخذ شده از تعریف لغوی است و تفاوتی با آن ندارد؛ جز اینکه حجر در اصطلاح فقها ممنوعیت از تصرفات مالی است نه مطلق ممنوعیت؛ از جمله صاحب جواهر می‌گوید:

«محجور کسی است که از تصرف در اموالش ممنوع است».^۴

آیت الله مشکینی، حجر در اصطلاح فقها را اینگونه آورده است:

«عبارت است از ممنوعیت عده‌ای از مردم از تصرف در اموال و آنچه در ذمه آنهاست و تصرف در اموال کسانی که تحت ولایت آنها هستند مثل اولادشان. حجر حکم وضعی اعتباری است و قابل جعل و انشاء، در تحققش نیازمند به حاجر(شارع یا حاکم)، محجور علیه (ممنوع التصرف) و محجور عنه(مال و ذمه) است».^۵

مشهور فقهای امامیه، اسباب حجر را شش مورد معرفی کرده‌اند؛ صِغَر، دیوانگی، بندگی، ورشکستگی، سفاهت و مریضی متصل به موت.^۶ ولی فقهای اهل سنت، در این زمینه اختلاف نظر دارند.

برخی از فقهای مالکی همچون دسوقی، حجر را صفت حکمی‌ای می‌دانند که موصوفش را از تصرف در آنچه بیش از توانش است یا از تبرع بیش از یک سوم اموالش منع می‌کند.

۱- ر.ک: ابن فارس، ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹/۲ و حمیری، ابن سعید، شمس العلوم، ۱۳۵۱/۳.

۲- ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۶۶/۴.

۳- ر.ک: راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ۲۲۱.

۴- نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۳/۲۶.

۵- مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، ۴۷۷.

۶- ر.ک: نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، ۴/۲۶؛ حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ۲۳۶/۹ و سبزواری،

محمد باقر، کفایه الاحکام، ۵۸۰/۱.

حجر صبی، مجنون، سفیه، مفلس و رقیق، مشمول مورد اول و مریض و زوجه مشمول مورد دوم می‌شود.^۱ بنابراین از نظر ایشان، اسباب حجر هفت مورد است. این قدامه حجر را به دلیل حفظ اموال می‌داند و قائل است که حجر در صورت اصلاح اموال زائل می‌شود.^۲

زکریا انصاری نیز حجر را به معنای منع از تصرفات مالی و اسباب آن را هفت مورد می‌داند.^۳ اکثر فقها سفیه (در مقابل رشد) را جزو موارد محجوریت آورده‌اند.^۴ ولی ابو حنیفه، سفاهت و عدم رشد را از اسباب حجر نمی‌داند؛ او حجر انسان بالغ آزاد را به سبب سفه و عدم تدبیر در اموالش اجازه نمی‌دهد؛ ولی پیروان ابو حنیفه از جمله ابو یوسف و محمد بن حسن با مشهور علما هم رأی بوده و سفاهت را از اسباب حجر می‌دانند.^۵

۱-۹-۲. رشد

لغت نویسان، رشد را ضد غی آورده و آن را رسیدن به امر صحیح و هدایت شدن به سمت خیر و صلاح معنا کرده‌اند.^۶ گفته شده است که رشد مربوط به امور دنیوی و اخروی است.^۷ طبق گفته‌ای نیز منظور از هدایت، همان هدایت در امور مالی و معنوی است.^۸ بنابراین رشد فقط مربوط به امور مادی و مالی نمی‌شود؛ بلکه در امور معنوی نیز جریان دارد. رشد در آیات قرآن کریم نیز در معانی مختلفی بکار برده شده است؛^۹ از جمله ضد غی و هدایت و راهنمایی، صلاح، کمال عقل و حسن تصرف، ضد سفه و سوء تدبیر.^{۱۰}

۱ - ر.ک: دسوقی مالکی، محمد بن احمد، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ۲۹۲/۳ و کلبی غرناطی، محمد بن أحمد، القوائین الفقهیه، ۲۱۱/۱.

۲ - ر.ک: مقدسی (ابن قدامه)، عبد الله بن احمد، الکافی فی فقه الامام احمد، ۶۱/۴.

۳ - ر.ک: انصاری، زکریا بن محمد، أسنی المطالب شرح روض الطالب، ۴۵۲/۹.

۴ - ر.ک: شبراملسی، حاشیه الشبراملسی، ۶۷/۲۰؛ ماوردی، علی بن محمد، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، ۳۴۲/۶ و مقدسی (ابن قدامه)، المغنی، ۳۴۳/۴.

۵ - ر.ک: حنفی، زین الدین بن نجیم، البحر الرائق، ۹۲/۸؛ غیتابی حنفی، محمود بن احمد، البنایه شرح الهدایه، ۸۸/۱۱ و جزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل بیت (ع)، ۴۰۹/۲.

۶ - ر.ک: طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۵۰/۳؛ مقرئ فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۲۲۷/۲ و مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳۰۴/۱۱.

۷ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ۳۵۴.

۸ - ر.ک: مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۴۷/۱۱.

۹ - ر.ک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۹۶/۱۴.

۱۰ - «رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّءْ لَنَا أَمْراً رَشِداً» (کهف/۱۰)؛ «فَإِن آتَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْداً» (نساء/۶)؛ «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ» (انبیاء/۵۱) و «قُلْ إِنِّي لَأَمْلِكُ لَكُمْ ضَرّاً وَآلاً رَشِداً» (جن/۲۱).

بنابراین کلمه رشد به تناسب امور دنیوی و اخروی معنای خاصی می تواند داشته باشد. ولی همه تعاریف ذکر شده شامل یک وجه مشترک هستند که عبارت است از: هدایت به سمت خیر و صلاح؛ هدایتی که مربوط به امور دنیوی و اخروی است.

با توجه به آیه شریفه «فَإِنْ آتَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۱ اکثر فقها، رشد را به قرینه دفع اموال در آیه، به صلاح در امور مالی تفسیر کرده و صلاح در دین را جهت دفع اموال لازم نمی دانند. ولی برخی از فقهای امامیه و اهل سنت، رشد را صلاح در دین و مال دانسته اند.^۲

مقدس اردبیلی در این باره آورده است:

«حقیقت رشد و ظاهر و متبادر از آن_ آنچه اصحاب ذکر کرده اند_ همان اصلاح مال و عدم مصرف آن در وجوه نادرست در نظر عقلاء است و این مناسب معنای لغوی رشد یعنی هدایت شدن است»^۳.

به عقیده مشهور فقهای امامیه، در رشد سه چیز معتبر است:

«شخص به واسطه تضييع، مفسد مالش نباشد بلکه مصلح مالش باشد به وجهی که نزد فقها معتبر است. همچنین اموالش را در اموری که لایق وضعیت او نیست صرف ننماید و این امور باید به صورت ملکه راسخه درون وی باشد»^۴.

از نظر مالکیه، حدّ رشد؛ حسن توجه به مال و قرار دادن امور در جای خود است.^۵

شافعیه، رشدی که موجب فکّ حجر می گردد را دارای دو وجه می داند: صلاح در دین و اصلاح مال. پس اگر هر یک از این دو وجه در فرد یافت نشود حجر باقی می ماند. اگر رشد به وجهی که ذکر شد اثبات شود فکّ حجر نمی شود، مگر به حکم حاکم.^۶

از نظر ابن عابدین حنفی نیز، رشد این است که شخص، مصلح مالش بوده، هر چند فاسق باشد.^۷

عثیمین از فقهای حنبلی، رشد را در امور مختلف به نحوی تعریف می کند؛ رشد در دین را استقامت در دین، رشد در نکاح را شناخت مصلحت های ازدواج، رشد در عبادات را انجام

۱- «و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد یافتید، اموالشان را به آنها بدهید» (نساء/۶).

۲- ر.ک: حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، ۴/۲۵۰۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ۳/۲۸۳ و همو، المبسوط، ۲/۲۸۴.

۳- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۹/۱۹۴.

۴- سبزواری، محمدباقر، کفایه الاحکام، ۱/۵۸۲.

۵- قرطبی، محمد بن احمد، المقدمات الممهدهات، ۲/۳۴۵.

۶- ر.ک: ماوردی، علی بن محمد، الحاوی الکبیر، ۶/۳۶۲.

۷- ر.ک: دمشقی، ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۳/۴۵۸.

واجبات و ترک محرمات و رشد در مال را حسن تصرف در مال معرفی می‌کند. از نظر ایشان، رشید کسی است که حسن تصرف در اموالش داشته باشد؛ از نظر خرید، فروش، رهن و اجاره. و اگر بگونه‌ای باشد که مالش را در امور حرام و یا بی‌فایده صرف کند، سفیه به شمار می‌رود؛ ولی نه سفیهی که او را از تصرف در مالش منع کند و الا لازم می‌آید کسانی که در امور حرام یا بی‌فایده، همچون سیگار معامله انجام می‌دهند، از تصرف در اموال خود منع شوند.^۱

بنابر تعاریف لغوی، رشد علاوه بر امور مالی؛ امور معنوی را هم دربرمی‌گیرد. ولی در اصطلاح فقها، منظور از رشد، رشد مالی یا همان عقل معاش است.

۱-۹-۳. بلوغ

در لغت، بلوغ به معنای رسیدن به آخر مقصد (از نظر زمان و مکان) یا رسیدن به آخر امری از امور مقدّره، وصول و ادراک آمده است.^۲ و اما در معنای اصطلاحی آن، صاحب جواهر چنین بیان کرده است:

«بلوغ در لغت به معنای ادراک و در اصطلاح، بلوغ حلم و وصول به حد نکاح است که ناشی از تکوّن منی در بدن و شکوفایی غرایز جنسی می‌باشد. بلوغ، کمال طبیعی انسان است که با آن عقل نیز تقویت می‌شود و آن حالت انتقال اطفال به حد کمال و رسیدن به مرحله مردانگی و زنانگی است»^۳.

ایشان در کنار بلوغ جسمی به بلوغ عقلی نیز اشاره نموده و بلوغ را صرف تغییرات جسمانی نمی‌داند. بنابراین در مرحله بلوغ، علاوه بر تحولات جسمانی، ادراک و عقل انسان نیز دچار تحول و تکامل می‌شود.

۱-۹-۴. عقل

عقل وسیله‌ای برای تشخیص و تمییز خیر و شرّ دانسته شده و امساک، تدبّر، حسن فهم و ادراک از لوازم آن شمرده شده است.^۴

۱- ر.ک: عثیمین، محمد بن صالح، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ۱۸۵/۹-۱۸۴.

۲- ر.ک: راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ۱۴۴؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۷/۵ و واسطی زبیدی، محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، ۹/۱۲.

۳- نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، ۴/۲۶.

۴- ر.ک: مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۹۶/۸.